

شده جنگل

گونه‌ای از زندگی میرزا کوچک خان جنگلی

محمد جعفر طاهری رشتی

میرزا اسناد چاپ نشده

تحمیه و تعلیقات

هادی هاشمیان

سید مسعود پیمان

سرشناسه	طاهری، محمدجعفر، ۱۳۷۱ -
عنوان و نام پدیدآور	شعله شمع جنگل: گوشه‌ای از زندگی میرزا کوچک‌خان جنگلی (همراه با اسناد چاپ نشده در
مورد قیام جنگلی‌ها)	انوشته محمدجعفر طاهری رشتی؛ تحشیه و تعلیقات سیدمسعود پیمان، هادی هاشمیان.
مشخصات نشر	تبریز: مهد آزادی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۳۰۸ ص.؛ مصور.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۸۹۹-۳۰-۶
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۳۰۸.
عنوان دیگر	گوشه‌ای از زندگی میرزا کوچک‌خان جنگلی (همراه با اسناد چاپ نشده در مورد قیام جنگلی‌ها).
موضوع	میرزا کوچک خان، یونس بن میرزا بزرگ، ۱۲۹۸-۱۳۴۰ ق.
موضوع	نهضت جنگل، گیلان، ایران، ۱۳۳۳-۱۳۴۰ ق.
موضوع	Jangal movement, Gilan, Iran, 1914-1921:
موضوع	تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق. - جنبش‌ها و قیام‌ها
موضوع	Iran - History - Qajars, 1779 - 1925 - *Protest movements.
شناسه افزوده	سما سیدمسعود - ۱۳۳۳ -
شناسه افزوده	هاشمیان، هادی - ۱۴۳۰ -
رده بندی کنگره	۷۱۲۹۶ / ۷۲ / R1۴۱
رده بندی دیویی	۹۵۵ / ۷۵۲۰۴۵
شماره کتابشناسی ملی	۴۹۷۸۷۴۳

شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: شعله شمع جنگل

پدیدآورنده: سید مسعود پیمان - هادی هاشمیان

ناشر: مهد آزادی

طرح روی جلد: سید محسن پاکزاد

تیراژ: ۱۰۰۰

قطع: وزیری

بها: ۲۵۰/۰۰۰ ریال

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۶

خدمات پیش از چاپ، چاپ و پس از چاپ: مجتمع چاپ مهد آزادی

نشانی: تبریز - خیابان امام خمینی (ره) - کوی شهید یوشاری تلفن: ۳۵۵۵۶۳۷۷

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۹۹-۳۰-۶

فهرست مطالب

۷	• مقدمه
۱۷	• گاهشمار نهضت جنگل و سرگذشت میرزا کوچک خان
۳۳	• متن شعله شمع جنگل
۳۷	• راجع به سلطنت مظفردین شاه و برقرار نمودن مشروطه و دادن آزادی به ملت ایران ...
۴۱	— حمایت اهالی رشت از تیریزی‌ها
۴۲	— کشته شدن فرماندار رشت
۴۳	— انضام سپهسالار به تهران
۴۳	— حرکت مجاهدین رشت به تهران
۴۵	— مجروح شدن میرزا کوچک خان
	• مختصری از تاریخ زندگانی میرزا کوچک و هدف مقدس او
۴۷	• راجع به قیام و نهضت در جنگل گلان
۴۹	— مأموریت میرزا از طرف ستوف الممالک
۵۰	— غائله جنگل
۵۴	— عقب نشینی جنگلی‌ها
۵۵	— تاسیس هیئت اتحاد اسلامی
۵۶	• راجع به اقدامات و عملیات اساسی هیئت اتحاد اسلام
۵۷	— آزادی دختر والی پشت کوهی از اسارت روس‌ها
۵۸	— نابودی خاندان تزار
۶۱	— دستگیری کاپیتان نوئل
۶۱	— مهاجران نظامی آلمانی، اطریشی و ترک
۶۴	• وارد شدن قشون دولت انگلیسی به ایران
۶۴	— مذاکره هیئت اتحاد اسلام با نماینده انگلیس
۶۶	— مخالفت میرزا درمورد معاهده
۶۹	— جواب نمایندگان جمعیت اتحاد اسلام به نماینده انگلیس
۷۰	— ملاقات نماینده انگلیس با میرزا کوچک خان
۷۳	— اشغال رشت توسط انگلیسی‌ها
	• حمله جنگلی‌ها به قواء انگلیس در شهر رشت و پیشنهاد صلح
۷۵	• از طرف انگلیسی‌ها به هیئت اتحاد اسلام

فهرست مطالب

۷۷	— حاج احمد کسائی
۷۸	— متواری شدن میرزا کوچک خان
۸۰	— به دار آویختن دکتر حشمت در رشت
۸۱	— تشکیل شورای نظامی برای دستگیری میرزا کوچک
۸۱	— نامه رئیس آتریاد تهران به میرزا کوچک
۸۳	— جواب نامه میرزا کوچک خان به رئیس آتریاد تهران
۸۴	— درگیری برای شورای دولتی با عده تفرات میرزا کوچک
۸۵	— پیش نهاد صلح با میرزا کوچک
	● ورود شوروی ها به ایران روی سیاست انگلیس،
۸۶	— پیمان بستن میرزا کوچک خان با روس ها روی نقشه عاقلانه
۹۴	● ورود میرزا کوچک به نهر رشت گرفتن زمام امور در کف کفایت خود
۹۸	— توطئه کشتن میرزا کوچک
۹۹	— سرکوبی انقلابیون توسط نیروهای روسی
۱۰۳	● راجع به بدرفتاری انقلابیون با اهالی رشت
۱۰۴	— آمدن حیدر عمو اوغلی از روسیه به رشت
۱۰۶	— توصیه کلنل فتحعلی خان ثقفی فرمانده سابق ژاندارمری روسیه به میرزا کوچک خان
۱۰۷	— عزیمت مولف کتاب به کسما و ابلاغ توصیه فتحعلی خان به میرزا کوچک
۱۰۸	— جواب میرزا کوچک خان
۱۱۲	— رفتن رضاخان وزیر جنگ به جنگل جهت ملاقات با میرزا کوچک خان
۱۱۳	— تعقیب میرزا کوچک خان از طرف نظامیان دولت
۱۱۴	— کشته شدن میرزا کوچک خان
۱۲۱	● توضیحات و تعلیقات
۲۰۷	● اسناد
۲۵۹	● تصاویر
۲۹۵	● فهرست اعلام
۳۰۸	● منابع

پیشگفتار

در دوره قرن اخیر، و بلکه در تمام چند قرنی که «استعمار» در اشکال گوناگون چهره نمایانده، به جرأت می‌توان گفت هیچ واقعه تاریخی، مصون از دخالت نیروهای استعماری نمانده است. بنابر این بررسی یک جریان تاریخی، بدون توجه به روال و خصوصیات مطامع استعماری، قطعاً ناقص و بلکه اشتباه است. نهضت جنگل، عنوان رویداد مهم در تاریخ معاصر ایران نیز از جمله مواردی است که هایتز فتنه استعمار شرق و غرب قرار می‌گیرد و مانند بسیاری از نهضت‌های اسلامی، ضربه از پشت می‌خورد!^۱

تلخ‌کامی‌های به‌بنای مانده از مشروطه‌خواهی، حضور نیروهای روسیه تزاری در گیلان و سایر نقاط کشور، تعدی و تجاوز سربازان روسی به حقوق و نوامیس مردم، دخالت‌های آشکار و پنهان روسیه در امور داخلی کشور و آشفتگی وضع زندگی مردم، از جمله این بحران‌ها و عواملی بودند که موجب پیدایش نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک خان شد.^۲

میرزا کوچک خان جنگلی کیست؟

از روحانیون مجاهد ایران در قرن چهارم هجری، یونس، مشهور به میرزا کوچک، فرزند میرزا بزرگ رشتی در ۱۲۵۹ ق. در رشت متولد شد. دوران کودکی و نوجوانی را با تحصیل در مدرسه حاجی حسن و مدرسه جامع رشت گذراند؛ و در زمره طلاب علوم دینی درآمد. مدتی هم، تهران رفت و در مدرسه دینی محمودیه به تحصیل علوم دینی پرداخت. سپس در درس آیت‌الله سید عبدالوهاب صالح ضیابری حاضر شد.^۳ وی همزمان با جنبش مشروطه‌خواهی در ایران، مشروطه‌خواه شد و در این راه مجاهدت‌های فراوان کرد. هنگامی که مجلس شورای ملی به دستور محمدعلی شاه قاجار به توپ بسته شد، او در قفقاز بود.^۴ سپس همزمان با تحصن علماء در سفارت عثمانی برای تجدید مشروطیت، او

۱ - حماسه میرزا کوچک خان، حمید گروگان، ص ۱۱.

۲ - علمای مجاهد، محمد رجبی، ص ۴۸۷.

۳ - آیت‌الله سید عبدالوهاب صالح ضیابری از مجتهدین صاحب نام گیلان بود که به امر

نیز در شهرداری رشت متحصن شد. و بعد از کشته شدن آقا بالاخان سردار افخم در واقعه مشروطیت گیلان، به مجاهدین پیوست و در فتح قزوین شرکت کرد. میرزا کوچک که در ۱۳۲۷ ق همراه اردوی مشروطه خواه گیلان، برای فتح تهران آمده بود، پس از فتح قزوین به دنبال مشاهده اعمال خلاف بعضی از مجاهدین، با قهر اردو را ترک کرد و به رشت بازگشت. لیکن میرزا کریم خان رشتی از او و مجاهدین همراهش دلجویی کرد و مجدداً آنها را به اردوگاه بازگرداند. میرزا و همراهانش در عیشگاه به مجاهدان گیلانی پیوست و تهران را به اتفاق سواران بختیاری فتح کردند.

پس از فتح تهران، هنگامی که محمدعلی شاه مخلوع، ترکمن ها را تحریک کرد که برای سرنگونی دولت مشروطه به تهران هجوم آوردند، میرزا کوچک داوطلبانه به گمنامی و طی جنگی که بین مجاهدین و شورشیان ترکمن روی داد، ترکمن ها به بختیاری از نیروهای دولتی شکست خوردند و گلوله ای هم به میرزا کوچک اصابت کرد.

پس از بازگشت به رشت، ابتدا دستور کنسول روسیه در رشت، به علت فعالیت های آزادیخواهانه اش به مدت پنج سال از رشت به تهران تبعید شد، اما در تهران نیز نتوانست با مجاهدین فاتح رابطه خوبی برقرار کند و در نتیجه چندی در انزوا و خلوت بسر برد.

پس از مدتی، دو تن از مبلغان دولت عثمانی به نام های بیگ و روسنی بیگ به عنوان دعوت به «اتحاد اسلام» وارد تهران شدند و با سخنرانات ها که ابراز

تدریس در رشت مشغول بود. میرزا کوچک یکی از شاگردان او بود که در زمان مشروطه «انجمن روحانیون ایران» را در رشت دایر کرد و رهبری آن را برعهده داشت. در زمان مشروطه مبارزات بسیاری انجام داد و از اولین اعضای انجمن ایالتی گیلان بود. در زمان استبداد صغیر به مشهد تبعید شد و در زمان مشروطه دوم به ریاست انجمن رشت رسید. بعد از اعلام اولتیماتوم روس ها و اشغال رشت توسط قوای آنها، دستگیر و به باکو تبعید گردید. بعد از مدتی آزاد شده و به رشت بازگشت ولی مجدداً دستگیر و این بار به اعدام محکوم شد. به خاطر فشار مردم رشت، نتوانستند اعدامش کند به همین خاطر این بار به باکو تبعیدش کردند. در زمان نهضت جنگل، تازه به رشت بازگشته بود که به عضویت هیئت اتحاد اسلام درآمد و مدت کوتاهی گذشت که به ریاست این هیئت برگزیده شد و تلاش مجدانه ای برای مبارزات اسلامی انجام داد.

نارضایتی از دولت می کردند به مذاکره پرداختند و جلساتی برپا کردند. در این هنگام میرزا با چند تن از سران ملیون ایران، وابسته به اتحاد اسلام در تهران تماس گرفت و به گفتگو پرداخت.

مذاکرات در اطراف تعطیل شدن مشروطیت و لزوم اعاده آن و همچنین قطع ایادی استبداد بود که با انواع نیرنگ و تزویر و زد و بند با بیگانگان در رأس کارها قرار گرفته و نظام اجتماعی را مختل ساخته بودند. جمعی از سران ملیون معتقد به اتخاذ روش ملایم و عده بیشتری به لزوم اقدامات حاد و مقاومت مسلحانه در برابر دشمن تأکید می کردند. نتیجه‌ای که از این مذاکرات منشست به دست آمد این بود که اگر کانه ن ثابت علیه پادشاهی بیگانگان به وجود آید، قطعاً موجب تخفیف فشار خواهد گردید. باعث می شود که متجاوزان بر سر جایشان میخکوب شوند.

میرزا کوچک خان در راه تحقق این نیت، داوطلب گردید و همراه یکی از مجاهدان دوره مشروطیت طرف مازندران رهسپار گردید، اما گیلان را برای تجمع عناصر ملی مناسب دانست. نشئه او در ابتدا همگامی با یک مقتدر محلی برای انتخاب مرکز عملیات بود، اما به تدریج به اشتباه خود پی برد، زیرا ملاکان و اربابان او را به ترک تصمیم خود، نصیحت کردند.

بنابر این بعد از شور و کنکاش با دوستانش به مصمم گرفت که خود به تنهایی به جنگل «خراط محله» تولم برود و دوستانش از حیث سلاح و نیروی انسانی به یاریش بشتابند. به این ترتیب رفته رفته بر تعداد یارانش افزوده شد و مردان جنگل، شکل یک تشکیلات سیاسی و نظامی را به خود گرفتند.

رهبری جنبش، میرزا کوچک خان، شخصیتی بود که با تکیه بر اعتقادات شیعی و ایمان کامل به مبانی مذهب اسلام پای در راه نهاد، اما از همکاری با سایر گروه‌ها و دسته‌های سیاسی هم ابایی نداشت؛ به طوری که در نهضت جنگل مدتی با کمونیست‌ها نیز همکاری کرد و در کنگره‌ای که در ۱۲۹۹ ش در کسما تشکیل شد، رسماً مشی آینده نهضت جنگل را روش اجتماعیون و بر مبنای اصول

سوسیالیزم اعلام کرد.

جنگلی‌ها در ابتدای کار بارها شجاعانه با قوای دولتی جنگیدند و با شکست و پیروزی آشنا شدند. چند بار هم با نیروهای متجاوز روسیه تزاری در گیلان جنگیدند. این جنگ‌های میهنی باعث شد که رفته رفته نیروهای انقلابی از سراسر گیلان و حتی نقاط ایران به آنان پیوندند.^۱

میرزا کوچک خان خود بیش از آن که مبارز و انقلابی باشد یک مسلمان متعهد و قید به احکام مذهبی بود و در تمام نهضت جنگل یک قدم برخلاف دیانت و سب و طعن برنداشته و حتی در مواقعی که کابینه‌های صالحی مثل کابینه مستوفی‌الممالک روی کار می‌آمدند، همواره خود را از تماس با دولتیان برکنار می‌گرفته که دولت به برادری مشغول اصلاحی خود شود.

قیام جنگل از شوال ۱۳۳۳ هجری قمری تا دوم ربیع‌الثانی ۱۳۴۰ به طول انجامید. این دوره هفت ساله را براساس نوع مبارزات و موقعیت‌های مختلف نهضت می‌توان در چهار مرحله تقسیم بندی نمود. مرحله اول از آغاز تشکیل مبارزات (شوال ۱۳۳۳) تا انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی (آخر ذیحجه ۱۳۳۵).

در این دوره عمده نیروی جنگلی‌ها، صرف مبارزه با حضور نیروهای روسی در قسمت‌های شمالی کشور گردید. اشغالگران خیلی زود احساس خطر کرده و به کمک عاملان داخلی خود لشکرکشی‌های متعادل را تدارک دیدند. ابتدا سردار اقتدار فرزند سپهسالار اردویی تهیه دیده، سرکشی جنگلی‌ها شد، اما موقعیتی نصیبش نگشت. سپس جهان‌شاه خان امیر افشار، مارر از مبارزین برداشتن جنگلی‌ها شد. اما او هم قبل از چشیدن طعم پیروزی مجبور به بازگشت شد. یک بار مفاخرالملک که توسط نیروهای روسی به ریاست شهربانی رشت منصوب شده بود، داوطلب قلع و قمع نهضت جنگل گردید، اما میرزا کوچک خان و نیروهایش شکست تلخی به او وارد ساخته و مفاخرالملک کشته شد.^۲

۱ - همان، ص ۴۹۰.

۲ - نهضت جنگل (اسناد محرمانه و گزارش‌ها)، فتح‌آ... کشاورز، ص ۲۵.

مرحله دوم از انقلاب شوروی (ذیحجه ۱۳۳۵) تا تسلیم شدن حاجی احمد کسمایی و دکتر حشمت (شعبان ۱۳۳۷).

بعد از انقلاب شوروی و فراخوانی نیروهای روسی از ایران تحولات مهمی در اوضاع سیاسی کشور بوجود آمد. در این مرحله قدرت نیروهای جنگلی بیش از پیش افزایش یافت. دولت انگلیس تلاش می کرد برای مقابله با این نهضت و نیز جهت پرنمودن جای خالی نیروهای روسی قوای خود را در ایران به ویژه در شمال کشور تقویت نماید. نه فقط جنگ‌ها را مضر نمی شناخت، بلکه تا درجه‌ای هم مفید می دانست.

اما تسلیم شدن حاجی احمد کسمایی و اعدام دکتر حشمت در شعبان ۱۳۳۷ وضع نهضت به کاره دیگرگون گردید و ضربات کاری بر پیکر جنگلی‌ها وارد شد. تعداد از آنها تسلیم، تعدادی دستگیر و تعدادی نیز به صورت گروه‌های پراکنده ارتباط خود را یکدیگر از دست دادند. بطوری که بعد از این ماجرا تنها هشت نفر از افراد در سر مرزا که چک خان باقی ماندند.

مرحله سوم از شعبان ۱۳۳۷ تا شهریور ۱۳۳۹ یعنی تا زمان توافق انگلستان و شوروی و قرارداد دولت ایران و شوروی جهت خلع ید کردن نهضت جنگل توسط «کیکالو» فرمانده نیروی شوروی در گیلان را شامل می شود. در این دوره مجدداً گروه‌های جنگلی مجتمع شده و با پیوستن افرادی مثل احسان الله خان به جنگلی‌ها اوضاع بار دیگر تغییر کرد. در رمضان ۱۳۳۸ شهر رشت به تصرف جنگلی‌ها درآمد. حدود یک ماه بعد، احسان الله خان همراه با خالو قربان به گرگان، افراسیاب الشویک‌ها پیوست و روابطش را کوچک خان قطع کرد و در حکومت کمونیستی که پس از خروج کوچک خان از رشت تأسیس شد، مقام عمده‌ای کسب کرد.

۱- اولین انشعاب در گروه جنگل با تسلیم شدن حاجی احمد کسمایی به دولت و ثوق الدوله در ۱۳۳۷ ق به وقوع پیوست، به دنبال این جدایی، موقعیت نیروهای جنگل در رشت به خطر افتاد و برای این که حتی المقدور با قوای سی هزار نفری اعزامی از مرکز درگیر نشوند، به لاهیجان رفتند و به نیروهای دکتر حشمت پیوستند و پس از مدتی لاهیجان را هم ترک گفته، طی جنگ و گریزهایی که با نیروهای دولتی داشتند به دامنه‌های جبال لنگرود و رودسر و رانکو، و تنکابن منتقل شدند. انشعاب بعدی با تسلیم شدن دکتر حشمت و شیخ عبدالسلام عرب با دویست و هفتاد تن از یارانش به نیروهای دولتی به وقوع پیوست.

۲- نهضت جنگل (اسناد محرمانه و گزارش‌ها)، ص ۲۷.

مرحله چهارم از شعبان ۱۳۳۹ تا دوم ربیع الثانی ۱۳۴۰.

در دوره هفت ماه پایانی نهضت اختلاف داخلی، مجدداً در میان انقلابیون جنگل برافروخته شد؛ با این تفاوت که این بار حیدرخان عمواوغلی نیز یکی از سرکردگان اختلاف بود و داعیه رهبری نهضت را داشت. ملیون تهران بسیار تلاش کردند که بین انقلابیون سازش برقرار کنند؛ سیدمحمدرضا مساوات، میرزا طاهر تنکابنی و ادیب‌السلطنه سمیعی پیامی به جنگل فرستادند و خواستار صلح بین سران شدند؛ اما سیدحسن مدرس روحانی آزادپنجاه ساکن تهران، میرزا را به تصرف پایتخت متوجه می‌کرد.

سرازم جنگل، دشمنی باهم را به درگیری نظامی تبدیل کردند و در ۲۶ محرم ۱۳۴۰ ق به قصد برورای دستگیری مخالفین هم، مرکز کمیته انقلاب در ملاسرا را غافلگیرانه زیر آتش آوردند، که بر اثر آن عده‌ای کشته شدند. و خالو قربان گریخت و به رشت رفت. حیدرخان عمواوغلی در جنگل دستگیر و زندانی شد که در همان جا هم پس از چندی به قتل رسید. واقعه ملاسرا یک جنگ هفت روزه را بین جنگلی‌ها از یک سو و کربلایی‌ها از سوی دیگر به دنبال داشت. جنگلی‌ها به رشت رسیدند و از همه طرف بر روی سنگرهای مخالفین فشار وارد کردند. خالو قربان که عرصه را بر خردت‌ها تنگ دید، به نیروهای دولتی که در نزدیکی رشت منظر فرصت مناسب برای حمله، انتظار می‌بودند، تسلیم شد. به دنبال تسلیم خالو قربان به قوای دولتی، شهر رشت سقوط کرد و رضاخان سردار سپه و اردوی جنگلی او وارد رشت شد. نماینده نظامی شهرری نیز در بین قزاقان دولتی بود و با نیروهای دولتی همکاری صمیمانه‌ای داشت. سید بلال چمنی و سیدمحمد تولی دو تن دیگر از سرکردگان جنگل نیز تسلیم قوای دولتی شدند و بدین ترتیب نیروهای جنگل به سرعت تحلیل رفت.^۱

پس از استقرار سردار سپه در رشت، بین او و میرزا کوچک نامه‌هایی مبادله شد که به وی صلح می‌داد. سردار سپه به جنگلی‌ها نوشت که آنان را نیروهای وطن‌پرست و مستقلی می‌شناسد و خواستار آن است که برای اصلاحات ایران

به او کمک نمایند. بین جنگلی‌ها و قوای دولتی قرار داد آتش‌بس چهل و هشت ساعته‌ای امضا گردید و قرار ملاقات سردار سپه و میرزا کوچک نیز گذاشته شد. اما حادثه‌ای غیرمنتظره تمام رشته‌ها را پنبه کرد. آن حادثه این بود که فرمانده نیروی قزاق مأمور جبهه ماسوله که شیخلسکی نام داشت، به علت عدم اطلاع از مدت تدارک، با قوای خود به عده شصت نفری جنگلی‌ها به سرکردگی میرزا نعمت‌الله آلیانی برخورد و بین طرفین زد و خورد سختی در گرفت که منجر به کشته شدن سه افسر قزاق و پانزده نظامی دیگر شد.

سپه‌پس از شنیدن خبر درگیری بین قوای شیخلسکی و آلیانی، این قضیه را حمل بر عدم صداقت جنگلی‌ها کرد و مذاکرات صلح را متوقف ساخت و با قوای تحت فرمانش به جنگل یورش برد. جبهه‌های جنگل یکی پس از دیگری سقوط کرد و دست‌درست از باران میرزا کوچک به قوای دولتی تسلیم شدند؛ به طوری که پس از چند روز، هزاران نفر از اطراف میرزا کسی باقی نماند. میرزا به اتفاق گائوک آلمانی که نام ایرانی هوشنگ بر خود گذاشته بود، تلاش کردند از طریق گذر از کوه‌های کلان به شمال رود ولی سرما و بوران شدید آنان را گرفتار کرد و در گردنه گیلون در ۱۱ آذر ۱۳۰۰ در اثر یخزدگی جان به جان آفرین تسلیم کردند.

سرانجام با شهادت میرزا کوچک خان پروند این نصبت پرافتخار بسته شد.^۱

حقیقت قیام میرزا کوچک خان درباره جهات و علل پیدایش این نهضت همچنین هدف و تاکتیک و عملیات و پایان غم‌انگیز آن مطالب بسیار در کتب و مجلات و روزنامه‌های داخلی و خارجی منتشر شده است. که یا کوتاه و مختصر و یا نادرست و بی‌ارزش و یا آلوده به اغراض و منظورات خاص تنظیم یافته است. ماهیت و هدف نهضت را آنطور که شاید و باید نشان نداده، بحث تحلیلی صحیح از جریان حوادث ننموده‌اند و اگر نموده، کافی و رسا و مطابق با واقع نبوده است.

مثلاً احمد کسروی در کتاب تاریخ مشروطیت ایران، ضمن توضیح این که از داستان جنگل از نزدیک آگاهی نمی‌دارد، می‌نویسد: «جنگلی‌ها مردان کوتاه‌بین و ساده‌ای بیش نبوده و راه روشن برای خود نمی‌دانسته‌اند و لذا کارشان نابسامان در آمده است».

نویسنده کتاب «انقلاب بیرنگ» موجد انقلاب جنگل را مردی معرفی می‌کند که معتقد به قضا و قدر بود و غالب کارها را به استخاره محول می‌ساخت. عبادا... مستوفی نویسنده تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریان معتقد است که میرزا در تمام مدت نهضت جنگل یک قدم برخلاف دیانت و حب وطن برنداشته و حتی در مواقعی که کابینه‌های صالح روی کار می‌آمده خود را از تماس با دولتیان برکناری گرفته است. [جلد پنجم، صفحه ۱۴۹]

دکتر مهدی حسن‌مآثر: نویسنده تاریخ انقلاب مشروطیت ایران میرزا کوچک را بنام یک مهندس باطنی و یک فرد مؤمن به مشروطیت می‌ستاید و می‌نویسد: «نه فقط یک سرباز آزاده بود و در راه آزادی می‌جنگید، بلکه یک مبلغ آزادی نیز بود و در هر مورد و مقام از تبلیغ مردم به پیروی از حق و عدالت و حقوق انسانیت فروگذار نمی‌کرد».

سپهبد امان... جهانبانی سناتور و وزیر سابق بونگ زیر عنوان «خاطراتی از اوضاع قبل از کودتای ۱۲۹۹» مقاله‌ای در سالنامه دانش نوشته‌اند. «در شمال ایران میرزا کوچک خان علم‌طغیان و یاغی‌گری برافراشته و دعوی استقلال می‌نمود» نویسنده و شاعر، رشید یاسمی در کتب درسی که به دستور وزارت فرهنگ تألیف نموده، میرزا کوچک را فردی «یاغی» که دعوی استقلال می‌نموده معرفی کرده است.

از این نوشته‌های ضد و نقیض که در بعضی از آنها اشتباه فاحش دیده می‌شود و ما جزئی از آن را بر سبیل مثال ذکر کرده‌ایم، بدون این که حقایقی برابر دیدگانمان مجسم شود بر ابهام داستان جنگل می‌افزاید. آیا حقیقت آن طور که آقایان یاسمی و جهانبانی نوشته‌اند یاغی بوده و دعوی استقلال داشت و یا به عقیده سرپرسی سایکس از متمولین باج سیل می‌گرفت؟ کسانی هم که دعوی همکاری را

داشته‌اند، آیا به زعم نویسندگان مقاله اسپارتاکوس سرسپرده روس و انگلیسی‌ها بوده‌اند؟ شک نیست که تحقیق این مسائل به ما، لازم می‌شود بدانیم که جنگلی‌ها از چه قماش افرادی بوده و پیشوایشان از دولت‌های مرکزی چه می‌خواست و چرا با قیام مسلحانه پیاخاست؟ چه علت داشت که یک وقت با سربازان روس تزاری روش ملایم در پیش می‌گرفت و اجازه می‌داد که از منطقه نفوذش بدون دغدغه و تحمل هیچ نوع آسیب بگذرند و زمان دیگر پلنگ آسا به سوی شکار خیز برمی‌داشت. به چه علت حاضر نبود با انگلیسی‌ها و وعده‌های طلایشان کنار بیاید با آن که به ضعف خود و زورمندی حریف به حد کفایت وقوف داشت. استعمال واژه «یاعی» در مورد افرادی که تسلیم حکومت‌های وطن‌فروش نمی‌شوند. آیا به جا است؟ فلسفه همکاری جنگل با شوروی‌ها چه بود.

آیا درست است که در ظاهر بگانه و در باطن بیگانه و مخالف یکدیگر بوده‌اند؟ قهر و آشتی آنان چه انگیزه‌ای داشت. آیا همانطور که نویسندگان انقلاب بیرنگ نوشته باید این جریانات را به حساب غیر لون گذاشت؟

در سال‌های اخیر با گذشت زمان مأخذهای مهمی درباره نهضت جنگل، به صورت خاطرات، پژوهش‌های تحقیقی و یا اراک اسناد مدون در داخل و خارج ایران منتشر شده که هر کدام با زوایای مختلف این جریان عظیم را مورد بررسی و تحقیق قرار داده‌اند که از لابه‌لای هر کدام می‌توان جواب سؤالات زیر را به دست آورد که همگی اذهان بر این دارند که نهضت جنگل و میرزا کوچک خان حماسه تلاش مردانی است که نه تسلیم انگلیس و هیئت حاکمه دست‌نشانده آن در ایران شدند و نه تن‌دریوزگی سیاسی فکری و وابستگی به دولت و حزب کمونیست شوروی دادند. کتاب «شعله جنگل»

محمد جعفر طاهری از یاران میرزا کوچک که خود ناظر جریانات جنگل بوده است، بعد از فروپاشی نهضت، شنیدنی‌ها و دیدنی‌های خود را در کتابی به نام «شعله جنگل» به تصویر کشیده است. وی در این نوشتار کوشیده است، در جهت رفع ابهامات، ذکر حقایق تاریخ و توجه‌دادن به زحمات و تلاش‌های طاقت‌فرسای

مبارزان جنگلی در استقلال ایران، اظهار نظرهای غیر واقعی را مسدود بکند. محمد جعفر طاهری رشتی متخلص به پاکی در سال ۱۲۷۱ شمسی در خاندان یکی از بازرگانان شهر رشت به نام حاج احمد پا به عرصه وجود گذاشت. در عنوان کودکی با تشویق و راهنمایی پدر در مکتب خانه مشغول دروس معمولی آن زمان شد. بعد از مدتی به عللی از تحصیل باز ماند و به شغل خیاطی رو آورد. شوق و علاقه وافر به علم اندوزی او را وادار کرد که خود معلم خود باشد. به این جهت هم زمان با ادامه شغل خود، مشغول مطالعه در زمینه های علمی شد. دوران جوانی وی مصادف با انقلابات و کوششهای سیاسی و نظامی دول انگلیس و روسیه در منطقه بوده است. و شهرت قیام و ایستادگی میرزا کوچک خان و پیروانش ورد زبان ها بود. شور جوانی او را وادار کرد که مانند دیگران به ان نهضت بپیوندد، و مدت ها در رکاب میرزا کوچک باشد.

نسخه خطی «شعله جنگل» که مورد استفاده اینجانبان قرار گرفته است ظاهراً به دست خود مؤلف به رشته تحریر در آمده است. و با نسخه چاپی آن که در سال ۱۳۵۴ چاپ شده از نظر تنظیم فصول و به هم پیوستگی، متفاوت می باشد. نسخه خطی حاضر، دارای شانزده فصل است. و مؤلف از فصل اول تا فصل نهم به صورت مبسوط مطالب یهود و نقش نفوذ آن در جهان اسلام را مورد بررسی قرار داده است. و از فصل دهم تا شانزدهم به سوانح تاریخی نهضت جنگل و میرزا کوچک خان پرداخته است. که تنظیم کتاب حاضر بر مبنای فصول دهم تا شانزدهم می باشد.

با توجه به اهمیتی که اسناد تاریخی در هر تحقیق و پژوهش های تاریخی مورد استفاده و استناد قرار می گیرد، اسناد جمع آوری شده در آخر کتاب مربوط به دوران نهضت جنگل می باشد که از آرشیو سازمان اسناد کشور آذربایجان به دست آمده است. در پایان بر خود فرض می دانیم از مساعدت و همراهی مسئولین مهد آزادی به ویژه سرکار خانم شهرزاد پیمان، سرکار خانم فاطمه پور اوجاق، و جناب آقای سید محسن پاکزاد و همچنین همکاران ایشان، تقدیر و تشکر نمائیم.

هادی هاشمیان

سید مسعود پیمان